

قهرمانان !! بی غیرت!



نوشته ضیا



هر زنده جان، از مور تا ملخ، از انسان تا حیوان به خاطر زنده ماندن با محیط و شرایط آن به توافق نیاز دارد. توافق یا سازش به آسانی به دست نمی آید، زمان به کار دارد تا موجود زنده با آرامش ادامه حیات دهد؛ مثلاً:

آدمها، حیوانات، پرندگان هایی که در مناطق استوایی به سر می برند، شاید هیچ نتوانند یا به مشکل بتوانند در مناطق سرد قطبی زنده گی کنند. و اما آدمها مزید بر توافق با محیط طبیعی، تعلق شدید به محیط معنوی نیز دارند که در آن بزرگ شده اند و تربیت یافته اند.

محیط معنوی شامل دین، دانش، اخلاق، فرهنگ و سایر ارزشهایی می باشد که با همگونی ها و تفاوتها در جوامع مختلف بشری وجود دارد. و اما یکی از ارزشهای بزرگ در میان اکثریت جامعه افغانی و به صورت خاص در میان برخی کثیر هموطنان پشتون ما که نسبت به هر قوم دیگر در افغانستان با آن مباحثات می کنند، همانا متیاز ساختن دینداری، غیرت، شجاعت، جنگجویی و به قول معروف پشتونولی (افغانیت یا پشتونیت) شان می باشد. چنانچه کمتر تاجک، هزاره و یا اوزبیک پیدا شود که در حالات خاص بگویند که: (من یک هزاره هستم! قول من قول هزاره گی است! یا غیرت من غیرت هزاره گی است!) و یا یک تاجک بگوید: (من تاجک ... اما هموطنان پشتون ما اکثراً از دینداری، باتوری، شمشیر، جنگجویی، شهامت، و هر صفت برارنده دیگر در صحبت ها، نوشته ها، اشعار... حرف اول را می زنند که این صفات را در عمل نیز به اثبات رسانده اند. و هیچ کس حق ندارد بگوید که چرا پشتونها خود و یا قوم خود را باتور، قهرمان، با غیرت ... معرفی می کنند. چنانچه هیچ قوم یا زبانی این حق را ندارد که تاجک ها را بگوید: چرا به مدنیت، ارزشهای علمی، هنری، فرهنگی، زبانی ... خود مباحثات می کنید. و به همین گونه هر قوم یا ملت دیگر .

مردم افغانستان شامل همه اقوام و زبانها برارنده گیهای قابل وصف دارند. و اما، گاهی تعدادی از افراد از هر قوم و زبان و منطقه چنان ناخلف بار آمده اند و ارزشهای شایان خانواده گی، قومی و ملی شان را زیر پا کرده اند که نه تنها مایه شرم و خجالتی به قوم و تبار خود، بلکه اعمال و قیح آنها لکه ننگ را بر دامن همه مردم افغانستان چسبانده است. این افراد درست همان کسانی اند که در محیط عزت، حیا، شرف، وقار و ده ها شایسته گی ها بزرگ شده اند ولی حس قدرت طلبی، سلطه جویی، جاه طلبی، جاهلانه و یا آگاهانه شان به خاطر رسیدن به مال و منال و سایر امتیازات مادی آنها را

طوری در حصار گذاشته که با وجود فهم شان ازین مساله که اعمال ناشایست آنها موجب نفرت و انزجار قوم خودش و همه مردم قرار دارد و به آنها نفرین می گویند، و بالأخره مردم از دست شان به ستوه آمده اند ... باز هم (یک گوش را در ساخته و گوش دیگر را دیوار)، ناشیانه به بی غیرتی و بی حیایی شان ادامه داده و بر عکس مزدوری به بیگانه را پسندیده و همه ارزشهای قومی و ملی را به باد فنا داده اند. این مزدوران که از نام با عزت و با شرف یک قوم یا ملت به صحنه آمده اند، کسانی اند که برخلاف همه ارزشهای پسندیده قومی و ملی به بی غیرتی، وطن فروشی، نوکری و ده ها پستی دیگر توسل جسته و همچو خصلت های ناشایست و ننگین را طوری که در آغاز بیان کردم، به مرور زمان جزء شخصیت فردی شان ساخته که در حقیقت همان حس توافق یا سازگاری شان در تضاد با ارزشهای قومی و ملی شان میباشد که از هر نوع نفرین و حتی دو و دشنام پاک ندارند.

افغانستان شاهان، امیران زعیم ها و رهبران مذهبی، سیاسی و تنظیمی و طنفروش و بی حیا را که با نوکری اجانب و جفا با مردم به قدرت رسیده اند، تجربه کرده است که نام آنها سیاه ترین اوراق تاریخ را رقم زده که نزدیک ترین آن با کودتای بد نام ثور و تبعات آن تا امروز از رهبران هفت ثور تا رهبران تنظیم های اسلامی و رهبران دولتی بی که به قدرت رسیده اند، اکثر آنها برخلاف همه ارزشهای دینی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و سایر ارزشهایی چون غیرت، باتوری، جنگجویی، قهرمانی و مانند اینها را به خاطر رسیدن به قدرت و مکننت زیر پا کرده و با خصلت های بی غیرتی، دین فروشی، وطن فروشی ... خود ها را توافق داده اند.

مردم افغانستان با گذشت هر روز، ماه و سال همه رهبران و دولتمردان چپ، راست، بنیاد گرا، معتدل و تکنوکراتها را به شمول وحشت و بربریت طالبان دیدند و امتحان کردند. اکثر قاطع آنها به نفرین گرفته می شوند و به آدرس هر کدام آنها نفرت و انزجار حواله می شود. ولیک اینها که حس توافق و سازگاری شخصیت شان با بی غیرتی، بی همتی، وطنفروشی و بی حیایی سخت گره خورده و در صدر فهرست قرار دارند، بدون تردید گلبدین حکمتیار، حامد کرزی، عبدالله و محمد اشرف غنی احمد زی می باشند که این اشخاص گویا فقط و فقط زبان دارند که با پُر رویی گپ بزنند و چشم دارند که همه بدی ها و بدنامی ها را ببینند ولی گوشهای شان گویا با سُرَب کوفته شده باشد که هرگز صدای مردم را نمی شنوند که مردم در باره شان چه ها میگویند.

اگر باز هم این معامله گران دولتی، حزبی و تنظیمی با این طرح که گویا حاکمیت دولتی افغانستان بر اساس تقسیمات قومی، زبانی، منطقوی، مذهبی، حزبی استوار باشد، این کار به غیر از معامله و خاک بر چشم ملت زدن چیز دیگر نیست. بگذارید شایسته ها زمام امور را به دست بگیرند. فرقی نمی کند که از کمترین جمعیت نفوسی افغانستان که هندو ها و سک ها اند تا پشتون، تاجک، هزاره و هر قوم دیگر باشد ولی با اخلاص خدمت گذار مردم افغانستان باشند.